

# «طوبی»، مثلثی از عشق، تنفر و قدرت با قصه‌های تلخ

الناز برکاتی: «طوبی» سریالی که این روزها به حرف و حدیث‌های بسیاری نزد مخاطبان دامن زده است؛ از تحسین و انتقاد گرفته تا پرسوجو درباره ساخت فصل دوم و سرنوشت داستان از فصل اول. این‌ها نشانه‌هایی از دیده‌شدن این سریال است که خوب، برخی هم این اقبال را لطف ساخت مناسب پخش سریال می‌دانند، اما واقعیت آن است که بدون داشتن مایه‌هایی از گیرایی و جاذبه، بهترین ساعت‌های پخش هم نمی‌تواند باعث پرمخاطب شدن یک سریال شود.

سریال «طوبی» به هیچ وجه بی‌نقص نیست و منتقدان به درستی به کاستی‌های مختلف آن اشاره کرده‌اند، از کشار بودن نسبی داستان گرفته تا برخی ناسازگاری‌های تاریخی و بیش از اندازه زجرآور شدن ماجرا در بعضی از قسمت‌ها، اما با همه اینها این سریال نسبت به سایر سریال‌های سال‌های اخیر تلویزیون در دسته آثار موفق تلویزیونی جای می‌گیرد و در مقایسه با تعداد قابل ملاحظه سریال‌های سطح پایین، فاقد جذابیت و بی‌کششی که طی این سال‌ها از تلویزیون پخش شده‌اند، به نوعی هنر است.

عوامل مختلفی در موفقیت نسبی «طوبی» دخیل‌اند، از جمله آن ماجرای تنش و جنگ بین ایران و عراق از دریچه نگاه خانواده‌های عراقی که زاویه دید متفاوتی به این سریال داده است. این تغییر زاویه دید، نوعی آشنایی‌زدایی از ماجرای دفاع مقدس به وجود آورده که به خودی خود می‌تواند نکته جذابی باشد.

یکی دیگر از دلایل موفقیت این سریال، طراحی هوشمندانه شخصیت اصلی آن یعنی «طوبی»، در جلب توجه مخاطبان است. «طوبی» دختری جسور و خودساخته است که پس از کشته شدن پدرش در یک واقعه ناخواسته که به مثابه گره افکنی قصه سریال و موتور محرک درام قابل ارزیابی است، تلاش می‌کند انسجام خانواده اش را حفظ کند که به مرور زمان درگیر چالش‌های اجتماعی و شخصی بیشتری می‌شود. این شخصیت از برخی جهات یادآور کاراکتر «ستایش» در سریال «ستایش» یا «شهرزاد» در سریال ماندگار «حسن فتحی» با همین نام است که موجی از تحسین را در میان مخاطبان شبکه نمایش خانگی به همراه داشت. به همین دلیل، مخاطب به سرعت با شخصیت طوبی ارتباط می‌گیرد و مسیر زندگی او را با دقت دنبال می‌کند.

از دیگر جذابیت‌های این سریال، وجود یک مثلث عشقی میان شخصیت‌های اصلی است که به شکل کلاسیک دو قطب خیر و شر را به عنوان دو ضلع در کنار قهرمان قصه قرار داده است. در پانزده قسمت نخست، سریال با یک جابه جایی هوشمندانه میان جایگاه قطب‌های خیر و شر، مخاطب را با غافلگیری‌های دلنشینی روبه رو می‌کند.

در ابتدای داستان، شخصیت «فخرالدین» در مظان اتهام قرار دارد و جهانگیر ثابتی (شخصیتی که نامش به یکی از سران ساواک اشاره دارد) به عنوان یک مرد خیرخواه جلوه می‌کند. اما به مرور زمان و با پیشرفت داستان، جایگاه این دو شخصیت تغییر می‌کند و مخاطب را با یک چرخش جذاب و غیرمنتظره روبه رو می‌سازد.

نکته قابل توجه دیگری که در این سریال شاهدش هستیم، توجه کافی به جلوه بصری و صحنه‌پردازی است؛ این موضوعی است که بسیاری از سریال‌سازان ما ظاهراً آن را به عنوان نکته‌ای فرعی و قابل چشم‌پوشی در نظر می‌گیرند و در نتیجه داستان‌هایشان را در پس‌زمینه‌ای بیرنگ و بی‌روح روایت می‌کنند که چشم و دل مخاطب را خسته می‌کند. اما سازندگان «طوبی» به نورپردازی مناسب و خلق جاذبه بصری در گریم و طراحی لباس و صحنه توجه نشان داده‌اند و نتیجه کارشان قاب‌هایی است که دست‌کم در همان لحظه اول نگاه مخاطب را پس نمی‌زنند.

با همه اینها «طوبی» در بخش‌هایی از داستان خود با تکراری شدن برخی موقعیت‌ها و دیالوگ‌ها دچار ضعف شده است. همچنین رفت و برگشت‌های مکرر میان شخصیت‌های «نسیم» و «طوبی»، مجادلات طولانی بین طوبی و فخرالدین و گفت‌وگوهای تکراری میان خواهران طوبی که باعث شده در بخش‌هایی، سریال کمی کش‌دار و پرحرف به نظر برسد.

دکتر کبری درویش پیشه

ازدواج

خانواده

مشاوره  
تلفنی

۲۴ ساعته

۰۹۱۰۲۹۰۴۷۵۸



#دکتر\_کبری\_درویش\_پیشه

روند کلی قصه هم بیشتر رادیویی است تا بصری و اگر مخاطب نگاهش را از صفحه تلویزیون برگرداند، چیز خاصی را از دست نخواهد داد، اما خوشبختانه نکات مثبتی که در روایت کلاسیک داستان تعبیه شده اند، از جمله چرخشهای جذاب در شخصیت پردازی و تغییرات هوشمندانه در خط داستانی تا حد زیادی این نقاط ضعف را پوشش داده اند. شخصیت پردازی قوی و خوب و انتخاب بازیگر، یکی از مهم ترین نکات جذب مخاطب است که حتی شاید نویسنده در حین نگارش بازیگر را در ذهنش انتخاب می کند و بر اساس آن می نویسد و باید گفت که «سعید سلطانی» هم اصولاً خوب بلد است از بازیگرانش چگونه بازی بگیرد.

از همه مهم تر، درآمیختگی و چندبعدی بودن داستان سریال است که توانسته لایه های سیاسی، مذهبی و عاشقانه را در قالب یک داستان نسبتاً منسجم به خوبی با هم ترکیب کند که این درآمیختگی باعث میشود مخاطبان با ذائقه های مختلف بتوانند پای سریال بنشینند و هر کدام جنبه مطلوب و دلخواه خود را در داستان پیدا کنند. این اثر، به عنوان یک درام تاریخی معاصر، توانسته توجه مخاطبان تلویزیون را به خود جلب کند و با بهره گیری از مؤلفه های محبوب این ژانر، مانند داستان های عاشقانه، چالش های خانوادگی و غافلگیری های دلنشین، در ردیف آثار به نسبت موفق تلویزیون قرار بگیرد و با وجود نکات مثبت و منفی و قلاب ضعیفی که داشت با گذشت نیمی از راه

توانست مخاطب را جذب کند و به سریال محبوبی تبدیل شود که مخاطب خاص خودش را پیدا کرده است. بنابراین شاید ساخت سریال‌های درام تاریخی راهی باشد برای آشتی مخاطب با تلویزیون.